

تشدید تنش های امپریالیستی

موج اعدامها، مجاهدین و تحرکات حزب دمکرات

موضع و وظایف انترناسیونالیستی



صدای انترناسیونالیستی

آدرس سایت و ایمیل صدای انترناسیونالیستی به قرار
زیر است:

Homepage:

www.internationalistvoice.org

Email:

contact@internationalistvoice.org

تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت!

فهرست مطالب:

مقدمه.....	۴
جاه طلبی های امپریالیستی.....	۶
ترکیه و ادعای قدرت منطقه ای.....	۸
گانگسترهای سعودی و ادعای قدرت منطقه ای.....	۱۰
جنگ نفت.....	۱۴
۱۱ سپتامبر و عربستان.....	۱۶
رزمایش جبهه سعودی.....	۱۹
جنگ مستقیم ایران و عربستان.....	۲۰
نگاهی گذرا به روابط تنش آمیز عربستان و ایران.....	۲۲
گانگسترهای اسلامی و ادعای قدرت منطقه ای.....	۲۶
پس برجام.....	۲۷
برنامه موشکی ایران.....	۲۹
توان سایبری گانگسترهای اسلامی.....	۳۲
راه اندازی جریانات سلفی در راستای منافع امپریالیستی.....	۳۵
اعدام یعنی قتل عمد.....	۳۸
مجاهدین بعنوان پیاده نظام در تنشهای امپریالیستی.....	۳۹
تحركات حزب دمكرات.....	۴۲
وظایف انترناسیونالیستی.....	۴۷
یادداشت ها:.....	۵۰
خطوط اصلی مواضع:.....	۵۳

مقدمه

پس از توافق جمهوری اسلامی با کشورهای (۵+۱) تحت عنوان برجام، جمهوری اسلامی در تلاش بوده است یک تصویر سرمایه‌پسند، بخاطر جذب سرمایه‌ای خارجی و همچنین در راستای برداشتن بیشتر تحریم‌ها، از خودش ارائه بدهد. جذب سرمایه‌های خارجی و ارائه تصویر سرمایه‌پسند به اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی بسیار حیاتی است. در این راستا سعی می‌کند حتی به صنعت گردشگری رونق بدهد، هم در راستای کسب ارز خارجی و هم در راستای ارائه تصویر امن و جذاب از جامعه ایران. در این زمینه مسعود سلطانی فر، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در گفت‌وگو با CNN این چنین اظهار می‌دارد:

"در بازه زمانی ۱۰ ساله ما می‌خواهیم ۲۰ میلیون گردشگر در ایران داشته باشیم که درآمدی حدود ۳۰ میلیارد دلار نصیب ما خواهد کرد.... این هدف ماست و ما برنامه‌ای برای دستیابی به این هدف داریم. البته مطمئناً لغو تحریم‌ها به ما کمک خواهد کرد." [۱]

یکی دیگر از مسائلی که غربی‌ها بعنوان حربه برای فشار به ایران از آن استفاده می‌کردند و همچنان می‌کنند. مسئله حقوق بشر در ایران بوده است. نقض حقوق بشر در ایران همواره از سوی غربی‌ها مطرح شده است. بورژوازی اسلامی در تلاش است حتی در مورد مسئله حقوق بشر نیز با اروپائیان مذاکره کند. در این

رابطه صادق آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه پیشنهاد داده است تا زمینه مذاکره در رابطه با حقوق بشر با اروپائیان فراهم شود و این چنین می گوید:

"ستاد حقوق بشر و وزارت امور خارجه، زمینه مذاکرات حقوق بشری با اروپا را فراهم کنند." [۲]

سوال این است در چنین شرایطی، چرا جمهوری اسلامی به اعدامهای پشت سر هم دست میزند؟ چرا میخواهد تصویر امن و جذب از جامعه ایران را مخدوش کند؟

مجاهدین هر ساله تجمعی تحت عنوان «گردهمائی بزرگ مقاومت» ترتیب میدهند که امسال علاوه بر مریم رجوی، ترکی الفیصل، رئیس پیشین سازمان اطلاعات عربستان سعودی و فیلیپ کراولی معاون پیشین وزارت خارجه آمریکا، از سخنرانان این تجمع بوده‌اند. سخنرانی ترکی الفیصل در این مراسم و سپس دیدار محمود عباس رئیس دولت خودگران فلسطین با مریم رجوی، نشان میدهد که شرکت در این مراسم ها و دیدارها در تمایز با تجمع سالهای قبل مجاهدین است.

حزب دمکرات کردستان ایران به دبیر کلی مصطفی هجری مراسم عید نوروز امسال را نقطه مرزی ایران و عراق و با حضور پیشمرگان خود جشن گرفت. در روند آن نیز سیاست جدید خود یعنی مبارزه مسلحانه تهاجمی را جایگزین مبارزه مسلحانه دفاعی قرار داد.

در کنار اینها مبارزات طبقه کارگر همچنان در حول حداقل خواستها، مخالفت با اخراجها، اعتراض به حقوق های پرداخت نشده و غیره انجام می گیرد. به عبارت دیگر طبقه کارگر در تلاش و تقلا برای حفظ فیزیکی خود می باشد. در چنین شرایطی، مواضع و وظایف انترناسیونالیستها در قبال این معضلات چیست؟

جاه طلبی های امپریالیستی

اگر در دوران رو به رشد سرمایه داری، در عصر شکوفائی سرمایه داری، امپریالیست ها بدنبال مستعمرات جدید بودند تا دامنه نفوذ و قدرت خود را گسترش دهند، در عصر انحطاط سرمایه داری، در عصر امپریالیسم، امپریالیسم دامنه نفوذ و قدرت خود را از طریق توزیع مجدد بازار جهانی است که گسترش میدهد و این امر شامل تمامی کشورهای جهان است. در چنین شرایطی، تمامی کشورها، چه گانگسترهای بزرگ مانند آمریکا و بریتانیا و چه گانگسترهای کوچک مثل ایران و ترکیه سعی در تضعیف دیگری و تسخیر بازار همدیگر را دارند. برخلاف عوامفریبی های جناح های راست و بخصوص چپ سرمایه، در عصر امپریالیسم تمامی دولتها صرف نظر از بزرگی و کوچکیشان، صرف نظر از قدرت اقتصادی و نظامی شان از گانگسترهای بزرگ مثل آمریکا و بریتانیا گرفته تا گانگسترهای کوچک مثل ایران و پاکستان همگی امپریالیستی هستند. چرا که امکان انباشت سرمایه در یک دولت ملی و در انزوای مطلق وجود ندارد، چرا که سرمایه داری یک سیستم

جهانی است و هیچ کشوری نمی تواند بشکل جزیره و ایزوله شده در دنیای سرمایه داری به موجودیت خود ادامه دهد.

"سیاست امپریالیستی توسط چند تا دولت بخصوص ایجاد نشده است، آن محصولی از یک مرحله در تکامل سرمایه داری جهانی است ، که هرگز نمی تواند به اقدامات یک دولت محدود شود و **هیچ کشوری به تنهایی قادر به بیرون آمدن از آن نیست**". [۳]

ما بارها اعلام کرده ایم که عربستان، ایران و ترکیه در راستای جاه طلبی های امپریالیستی خود، خواهان نقشی برای خود در قدرت منطقه ای هستند. تقاضای چنین نقشی به مفهوم پروسه تضعیف قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی رقیب در منطقه نیز است. ظاهرا یک همگرایی در بین عربستان سعودی و ترکیه برای محدود کردن ایران در ایفای نقش قدرت منطقه ای بوجود آمده است. توافقات حول مسئله هسته ای ایران و وقایع پس از برجام یعنی برداشتن تدریجی تحریم ها، احتمال برگشت ایران به جامعه جهانی، آزاد شدن میلیاردها دلار از پولهای بلوکه ایران و از سرگیری فروش نفت مثل، سابق رقبای ایران را با نگرانی هائی روبرو ساخته است.

ایران از سوئی بعد برجام امیدوار است با آزاد شدن پولهای بلوکه و فروش نفت به اقتصاد ورشکسته خود سر و سامانی بدهد و از سوی دیگر بازگشت تدریجی ایران به جامعه جهانی، بعنوان مثال دعوت از ایران به کنفرانس سوریه علیرغم مخالفت عربستان سعودی، مجموعه شرایطی را فراهم کند که در راستای قدرت منطقه

ای ایران باشد و توانائی ایران را در گسترش دامنه نفوذ خود یاری رساند. برای درک بهتر موضوع، جاه طلبی های امپریالیستی ترکیه، عربستان سعودی و ایران، زمینه ها، موقعیت و توانائی های هریک آنان را بررسی خواهیم کرد.

ترکیه و ادعای قدرت منطقه ای

ترکیه در راستای اهداف امپریالیستی خود یکی از مدعیان قدرت منطقه ای است که رویای دوره امپراطوری عثمانی را در سر می پروراند. ترکیه با ایدئولوژی «پان ترکیسم» سعی دارد نقش رهبری را برای پان ترکیسم در منطقه ایفا کند و به همین خاطر در جنبش های ارتجاعی ناسیونالیستی نفوذ پیدا کند. اما در سالهای اخیر ترکیه سعی کرده شکل بخصوصی از اسلام (شبیه اخوان المسلمین) را با پان ترکیسم تلفیق کند، تا راحت تر بتواند روبروئی ایدئولوژیک خود را هم در داخل مرزهای خود و هم در خارج از مرزها بر جنبش های ارتجاعی سوار کند.

اقتصاد ترکیه در سالهای اخیر در مقایسه با اقتصاد ورشکسته ایران کمی بهتر شده بود که بخشی از آن بخاطر تحریمهای ایران و سرمایه گذاری کشورهای عربی بوده است. ترکیه به لحاظ جمعیتی، اقتصادی و نظامی دست کمی از ایران ندارد و یک برتری نسبت به ایران دارد و آن هم این است که از حمایت مستقیم غرب برخوردار است. این مسئله چنان حائز اهمیت است که ترکیه در تلاش است تا وارد اتحادیه اروپا شود.

همانطوری که پیشتر اشاره شد فعلا منافع امپریالیستی ترکیه و عربستان سعودی در تضاد با منافع ایران و در یک راستا قرار گرفته است. هر دوی این کشورها نگران افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه هستند. اگر قبلا با ایماء و اشاره به این مسئله پرداخت می شد، امروزه این تقابل شکل جنگ لفظی پیدا کرده است. این مسئله چنان حاد شده بود که رئیس جمهور ترکیه، اردوغان اظهار داشت که:

"ایران تلاش می کند کنترل منطقه را در دست گیرد." [۴]

در یمن ترکیه نگران افزایش نفوذ ایران است و می خواهد جلوی نفوذ ایران را بگیرد. در نتیجه در راستای منافع امپریالیستی خود بسیار طبیعی است، در رابطه با تحولات یمن، از مداخله عربستان سعودی حمایت کند. اردوغان در رابطه با مداخله نظامی عربستان در یمن و نقش ایران اظهار میدارد که ایران باید از یمن عقب نشینی کند و این چنین می گوید:

"ایران باید از یمن عقب بنشیند... ما از مداخله عربستان

حمایت می کنیم." [۵]

با کودتای اخیر ترکیه و وضع نابسامان ترکیه که دستگیری و اخراج ده ها هزار نفر، از آموزش پرورش گرفته تا نظام قضائی، از پلیس گرفته تا ارتش، را در بر دارد، ضربات جدی بر اقتصاد و موقعیت ترکیه بعنوان کشور امن و با ثبات که خواهان پیوستن به اتحادیه اروپا بود، وارد کرده است. این مسئله باعث شده است در کوتاه مدت و به شکل تاکتیکی کمی از مواضع خود عقب نشینی کند

و از جنگ لفظی با ایران و روسیه پرهیز کند. اردوغان فعلا در فکر تثبیت خود و قلع و قمع مخالفان خود است.

سفر اردوغان به روسیه و دیدار چند باره وزرای خارجه ایران و ترکیه بیانگر این عقب نشینی کوتاه مدت است. موضع جدید دولت ترکیه در قبال سوریه و بشار اسد با سیاست جدید ترکیه قابل ارزیابی است. زمانی ترکیه حتی حاضر نبود اسم بشار اسد را بپذیرد اما اخیرا نخست وزیر ترکیه اعلام کرده که بشار اسد میتواند در پروسه انتقال قدرت حضور داشته باشد:

"بن علی بیلدیریم، نخست وزیر ترکیه گفت که کشورش قصد دارد که حضور بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه را در پروسه انتقال قدرت بپذیرد اما تأکید کرد که او در آینده سوریه جایی ندارد." [۶]

گانگسترهای سعودی و ادعای قدرت منطقه ای

عربستان سعودی یکی از مدعیان گانگستری منطقه ای است و ادعای قدرت منطقه ای دارد. عربستان سعودی در مقایسه با ایران و ترکیه توان جمعیتی، صنعتی، اقتصادی و یا حتی نظامی قابل مقایسه ای ندارد، علیرغم اینکه هزینه هنگفت نظامی دارد. هزینه نظامی عربستان سعودی در قیاس به نسبت تولید ناخالص ملی این کشور مقام اول را در جهان دارد. تکیه عربستان سعودی بر پول نفت و صنعت مذهب (درآمد حاصل از زوار مکه که کمتر از درآمد نفت نیست) دارد. عربستان سعودی بیشتر بر شیخ نشین های منطقه خلیج

فارس، کشورهای با مذهب رسمی اسلام در آفریقا، پاکستان و در جنبش های ارتجاعی اسلامی نفوذ دارد. لشکر کشی به یمن و سرکوب اعتراضات بحرین، راه اندازی گروه های رنگارنگ تروریستی در سوریه، عراق و دیگر کشورها در راستای ایفای چنین نقشی است.

پس از سقوط صدام که زمانی رقیب و دشمن اصلی ایران بود، عراق عملاً به حوزه نفوذ ایران تبدیل شد. اگر با سقوط دولت مالکی کمی از نفوذ ایران کاسته شد، اما جان گرفتن دوباره «جیش المهدی» و جولان دادن سلیمان قاسمیان فرمانده سپاه قدس در عراق و ده ها مورد دیگر بیانگر افزایش نفوذ دوباره ایران است. این مسئله موجب شده است عملاً حوزه نفوذ ایران دامنه وسیع عراق، سوریه و لبنان را تحت پوشش خود قرار دهد. در یمن «حوثی ها» که از طرفداران جمهوری اسلامی هستند، بخشی از یمن را در دست خود دارند و خطر را به مرز عربستان رساندند. یکی از دلایل، ضرورت شکل گیری «دولت اسلامی» و گسترش آن، مقابله با همین افزایش نفوذ ایران بوده و است.

عربستان و ترکیه بارها و بارها علنی اعلام کرده اند، ایران تلاش می کند کنترل منطقه را در دست بگیرد و باید جلو نفوذ ایران را گرفت و آنرا محدود کرد. بعد از برجام مسئله بازگشت ایران به صحنه جهانی مطرح شد، بخصوص اینکه ایران بتدریج به ۱۰۰ میلیارد دلار از دارائی های مسدود شده خود دست خواهد یافت. در کنار آن دعوت ایران به اجلاس سوریه که عربستان بشدت مخالف آن بود، نگرانی های عربستان را بیش از پیش کرده است. بازگشت ایران به صحنه جهانی برای عربستان سعودی بسیار دشوار است و

تمام توان خود را بکار میبرد تا عملاً بازگشت ایران به صحنه جهانی را با مشکلاتی روبرو سازد. عربستان سعودی مایل نیست فشار تحریم از سر ایران برداشته شود. عربستان از نفوذ خود در اتحادیه عرب، سازمان همکاری اسلامی و همچنین کشورهای غربی استفاده کرد و قطعنامه ای به لانه دزدان (سازمان ملل) ارائه داد که طی آن مجمع عمومی سازمان ملل با ۱۱۵ رای موافق اقدامات تحریک آمیز و غیر سازنده جمهوری اسلامی در بحران سوریه را محکوم کرد. در مقابل سازمان ملل نام عربستان سعودی را از لیست کشورهای که خشونت و جنایت علیه کودکان بکار میبرند، حذف کرد.

سازمان ملل هر سال لیستی از کشورهای را منتشر می کند که خشونت و جنایت بر کودکان اعمال می کنند. امسال نام عربستان سعودی نیز به خاطر حمله به یمن و کشتار کودکان یمنی در لیست قرار داشت. طبق آن لیست حداقل پانصد کودک یمنی در حملات عربستان سعودی به یمن جان باخته اند. «عبدالله المعلمی» نماینده عربستان سعودی در سازمان ملل متحد به گزارش سازمان ملل واکنش سختی نشان داد و آمار ارائه شده را «دیوانه وار و اغراق آمیز» ارزیابی کرد و آنرا رد کرد و تهدید کرد اگر نام عربستان از لیست حذف نشود، کمکهای مالی خود را پس خواهد گرفت. پس از آن بود که دبیر کل سازمان ملل «بان کی مون» افشا کرد که در مقابل فشارها و تهدیدات عربستان سعودی، تن به خواسته عربستان سعودی داده است. [۷]

ضربه به منافع ایران و محدود کردن نفوذ ایران، چنان برای عربستان سعودی حائز اهمیت است که عربستان سعودی حتی سعی

در همکاری با اسرائیل برای مقابله با ایران را دارد. در این زمینه اخیراً رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک ریاض از اسرائیل دیدن کرده است.

عربستان سعودی نگران نزدیکی ایران به غرب است و در این رابطه از هم پیمان همیشگی خود یعنی آمریکا ناراضی است. عربستان میداند توافق هسته ای به مفهوم پذیرش ایران بعنوان یک قدرت منطقه ای است. این مسئله یعنی تقسیم منطقه را البته اوپاما به هم پیمانانش بخصوص عربستان سعودی نیز یادآوری می کند و چنین می گوید:

"باید به دوستانمان و همچنین به طرف ایرانی بگوییم که آنها باید راه موثری برای تقسیم منطقه و ایجاد نوعی صلح سرد بیابند". [۸]

عربستان شاهد سقوط نفوذ آمریکا در منطقه و بخصوص خاورمیانه است و از سیاست آمریکا در قبال جنبش کشورهای عربی راضی نبوده و نیست. گانگسترهای محلی، دیگر مثل سابق از گانگستر بزرگ "حرف شنوی" ندارند بلکه سعی می کنند منافع امپریالیستی خود را "مستقلاً" به پیش ببرند. در راستای چنین سیاستی بود که در تابستان ۲۰۱۳ عربستان کودتای «ژنرال سیسی» را ترتیب دهد.

آمریکا به حرف نشنوی نوچه های خود در منطقه واقف است و می خواهد رضایت هم پیمانان خود را در منطقه، بخصوص عربستان سعودی را جلب کند. جان کری، وزیر خارجه آمریکا در دیدار روز ۴ شهریور ۱۳۹۵ با مقامات عربستان سعودی و جلب

رضایت سعودی ها اظهار داشت، ارسال مهمات و تسلیحات نظامی از سوی ایران به یمن تنها تهدیدی برای عربستان سعودی نیست بلکه آمریکا هم آن را یک تهدید محسوب می‌کند. او این چنین گفت:

"ارسال موشک و تسلیحات پیشرفته نظامی از ایران به یمن تهدید بالقوه‌ای است که دامنه آن فراتر از یمن می‌رود... این تنها تهدیدی برای عربستان و منطقه نیست... این تهدید متوجه آمریکا هم می‌شود و نباید ادامه یابد". [۹]

اعدام شیخ نمر روحانی شیعه اهل عربستان و طرفدار ایران یک پیام و هشدار جدی به ایران بود، که عربستان نه تنها کوتاه نمی‌آید بلکه سیاست مهار ایران را همچنان پیش خواهد برد. عربستان به عواقب این اعدام آگاه بود، حتی آمریکا به عربستان توصیه کرده بود که این کار را نکند. راه اندازی و تقویت اپوزسیون ایران در راستای چنین منافع کثیف امپریالیستی است که ما به این موضوع در صفحات بعدی خواهیم پرداخت.

جنگ نفت

عربستان سعودی در راستای به زانو درآوردن رقبای خود، بخصوص ایران و روسیه جنگ اقتصادی، «جنگ نفت» را برای انداخته است. علیرغم تنش بین ایران و عربستان سعودی که بزرگترین ذخایر نفتی خاورمیانه را دارا هستند، سوالی که به ذهن هر کسی خطور می‌کند این است که چرا قیمت نفت همچنان پائین

است؟ دلیل این امر تولید بسیار بالا است که منجر شده است نفت در بازار اشباع شود، عربستان و نوچه هایش به خاطر منافع استراتژیک و امپریالیستی خود یعنی ورشکسته کردن اقتصاد ایران و روسیه حاضر به کاهش تولید نفت نیستند.

ضربه زدن به منافع اقتصادی ایران و روسیه بخشی از سیاست عربستان سعودی در راستای منافع امپریالیستی خود است. عربستان نمی خواهد، ایران با افزایش صادرات خود اقتصاد خود، را تقویت کند بلکه می خواهد اقتصاد بحران زده این کشورها بیشتر بحرانی شود. تورم و سقوط استاندارد زندگی نه تنها در ایران بلکه در روسیه نیز شدت محسوس است. همانند ایران صادرات نفت و گاز طبیعی یکی از درآمدهای اصلی روسیه است. کاهش درآمد نفت و در کنار آن تحریم های غرب علیه روسیه شرایط اسفناکی را برای طبقه کارگر و اقشار تحتانی ایجاد کرده است. در شرایط جدید بوجود آمده، در روسیه از هر هفت نفر، یک نفر زیر خط فقر زندگی می کند. [۱۰] همانند ایران هر روز لایه ای از اقشار میانی به قشر تحتانی جامعه سقوط می کند و شمار کسانی که برای دریافت غذای

مجانی به کلیساها

هجوم میبرند روز

بروز افزایش میابد.

عکس روبرو

مراجعه کنندگان به

غذای مجانی را از

مسکو نشان میدهد.



عربستان سعودی علیرغم اینکه کسری بودجه تاریخی حدود صد میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ داشت و امسال نیز با کسری بودجه مواجه است همچنان به سیاست «جنگ نفت» ادامه میدهد. البته سیاست جنگ نفت گریبان خود دولت سعودی را نیز گرفته است. بخاطر کاهش درآمد حاصله از فروش نفت، دولت سعودی بهای فرآورده های سوختی و دیگر هزینه های عمومی را افزایش داده که این مسئله بار خود را بر اقشار محروم و طبقه کارگر عربستان سعودی سنگینی خواهد کرد.

گانگسترهای اسلامی به سیاست جنگ نفت عربستان سعودی و عواقب آن آگاه هستند و جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران سردار حسین سلامی، در رابطه با سیاست «جنگ نفت» عربستان سعودی این چنین می گوید:

"عربستان برای مقابله با ما قیمت نفت را تا بشکهای ۳۵ دلار کاهش داد اما در یمن هم در آسمان و هم در زمین متوقف شده و موتور جهادی انصارالله به شکل تصاعدی در حال افزایش است." [۱۱]

۱۱ سپتامبر و عربستان

غرب و در راس آن آمریکا، در جریان جنگ سرد، برای مقابله با بلوک شرق مبادرت به تشکیل یا تقویت دستجات و جریانات اسلامی در راستای منافع کثیف امپریالیستی خود زدند. در مقابل بلوک شرق و در راس آن شوروی نیز جریانات ملی را در مقابل غرب بوجود آورده و تقویت میکردند. نیروهای جهادی که در

افغانستان فعال بودند، دست پرورده آمریکا، عربستان و پاکستان بودند. سازمان سیا نقش فعال و جدی در این زمینه ایفا کرده است. بعد از پایان جنگ سرد و با شکل گیری نظم جدید، نظم نوین جهانی، کنترل بخشی از این جریانهای ارتجاعی از دست سیا خارج شد. طالبان که محصول عربستان-پاکستان و با پشتیبانی و حمایت آمریکا به صحنه آورده شده بود و القاعده که به کمک عربستان-آمریکا شکل گرفته بود، از کنترل سیا خارج شدند و به دشمنان آمریکا-عربستان تبدیل شدند و دست به عملیاتی علیه منافع آمریکا زدند. گمانه زنی هائی، حتی در خود آمریکا در جریان است مبنی بر اینکه سرویس های اطلاعاتی آمریکا از وجود حملات ۱۱ سپتامبر در خاک خود آگاه بود و آمریکا می خواست حملات ۱۱ سپتامبر را بعنوان حربه ای در راستای سیاست نظم نوین جهانی و در راستای تثبیت هژمونی و موقعیت ویژه خود بکار برد.

بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و در سال ۲۰۰۲ بدرخواست کمیته اطلاعاتی مجلس نمایندگان ایالات متحده در رابطه با این حملات، گزارشی تهیه شد. گمانه زنی هائی مطرح شد دال بر اینکه دولت عربستان سعودی و یا برخی مسئولان عربستان سعودی در حادثه ۱۱ سپتامبر دست داشته اند و یا دخالت داشته اند و یا آنرا حمایت مالی و لجستیکی کرده اند. با شکایت خانواده قربانیان به دادگاهی در نیویورک، خواهان غرامتی حدود ده میلیارد دلار هستند. پس از سالها کشمکش و جدل بین مجلس نمایندگان ایالات متحده و دولت آمریکا، سر انجام کمیته اطلاعاتی کنگره گزارش مربوط به ارتباط احتمالی دولت عربستان سعودی با حادثه ۱۱ سپتامبر را منتشر کرد. منتهی ۲۸ صفحه که مربوط به دخالت احتمالی برخی

از مسئولان عربستان سعودی در حملات ۱۱ سپتامبر باشد سانسور شده است.

عربستان سعودی منکر دست داشتن و یا هر گونه نقشی در حملات ۱۱ سپتامبر بوده است. عربستان سعودی از طریق عادل الجبیر، وزیر خارجه خود به آمریکا هشدار داده است که اگر کنگره آمریکا لایحه ای را تصویب کند که بر اساس آن لایحه، دولت عربستان سعودی بخاطر حملات ۱۱ سپتامبر در دادگاههای آمریکا مسئول شناخته شود و تقاضای غرامت شود، دولت عربستان سعودی دارائی های خود را که حدود صد میلیارد دلار است، از آمریکا خارج کرده و یا خواهد فروخت.

اگر چه هشدارهای عربستان سعودی از سوئی غیر جدی و غیر عملی ارزیابی می شود، چرا که در صورت تحقق آن، یعنی فروش یا خروج دارائی های عربستان سعودی از آمریکا، لطماتی جدی به اقتصاد خود عربستان سعودی خواهد زد اما از سوی دیگر بیانگر تنش است که در روابط دو کشور وجود دارد. البته بارک اوباما به عواقب سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک چنین لایحه ای هشدار داده است و مواظب است که روابط دو کشور بدتر از این نشود. اوباما به احتمال زیاد در صورت تصویب آن لایحه در کنگره، آن را «وتو» خواهد کرد.

ژورنالیستها و ایدئولوگهای غربی همواره یک سیاست دوگانگه در مقابل عربستان سعودی داشته اند. از سوئی هر از گاهی به نقض حقوق بشر در جامعه عربستان سعودی (گردن زدن در ملاء عام) اشاره کرده اند و از سوی دیگر به تملق گوئی آن پرداخته اند، عموماً از ارائه تصویر یک دولت دیکتاتور پرهیز می کنند. اما اخیراً بدنبال

تهدید عربستان سعودی برای خارج کردن و یا فروختن دارائی های خود، در صورت مسئول شناخته شدن عربستان، لحن رسانه های غربی و بخصوص آمریکائی در رابطه با عربستان سعودی تند تر

شده است. در چنین زمینه ئی است که روزنامه «دیلی نیوز» چاپ نیویورک در واکنش به تهدید عربستان، با چاپ عکسی از ملک سلمان در صفحه اول خود، مقامات دولت عربستان سعودی را «تقاله های سلطنتی» خواند.

رزمایش جبهه سعودی



عربستان سعودی در راستای نشان دادن زور بازو و در راستای ادعای قدرت منطقه ای، دست به مانور نظامی سه هفته ای در اسفند ۱۳۹۴ زد. ویژگی این مانور در این بود که عربستان سعودی توانست، نیروی نظامی از ۲۰ کشور را پشت سر خود ردیف کند و بتواند تبلیغات گسترده رسانه ای حول آن انجام دهد. عربستان سعودی عنوان «رزمایش ضد تروریستی» به مانور نظامی خود داده بود، چرا که ادعا می کند، ایران یکی از طرفداران

اصلی تروریسم در منطقه است. پاکستان و ترکیه از جمله کشورهائی بودند که در مانور نظامی تحت رهبری عربستان سعودی شرکت داشتند. همگان بر این باورند که یکی از اهداف اصلی این مانور نظامی پیام به ایران بود. عربستان سعودی با این



مانور نظامی آخرین ادوات نظامی و تکنولوژی نظامی خود و هم پیمانانش را به رخ ایران کشید. از آن مهمتر به ایران

پیام داد که بیست کشور منطقه مطیع اوامر عربستان هستند و عربستان بر آنها نفوذ دارد و در حوادث احتمالی چون یمن در جبهه عربستان سعودی خواهند ایستاد.

جنگ مستقیم ایران و عربستان

با تنش هائی که بین ایران و عربستان بوجود آمده است، این سوال مطرح می شود، آیا این تنش ها منتهی به جنگ مستقیم ایران و عربستان نخواهد شد؟ واقعیت این است که سالهاست جنگ نظامی غیر مستقیم بین ایران و عربستان سعودی در سوریه، یمن و در سطحی در عراق و افغانستان جریان دارد. سوای از جنگ غیر مستقیم، سالهاست که عربستان سیاست «جنگ نفت» را علیه ایران اعمال کرده است و به این مسئله میتوان جنگ سایبری را بین

گانگسترها اضافه کرد. باید به این مسئله اشاره کرد، با توجه به رشد تکنولوژی، جنگ نیز اشکال خود را عوض کرده است. اگر قبلاً نیروئی یا کشوری فقط با حمله نظامی میتوانست زیرساخت، ارتباطات و غیره رقیب یا دشمن را از کار بیندازد، امروز این کار با توجه به رشد تکنولوژی از طریق یک ویروس کامپیوتری امکان پذیر است.

با توجه به شرایط سیاسی و موقعیت ژئوپولتیک ایران و عربستان امکان اینکه گانگسترهای ایرانی و سعودی تنش های امپریالیستی خود را به جنگ مستقیم و رو در رو ارتقا دهند، در شرایط امروز امکان آن بسیار پائین است. در شرایط امروز بخاطر مجموعه عوامل و در راستای منافع کثیف امپریالیستی خود ترجیح میدهند در سطح جنگ نیابتی، جنگ نفت، جنگ سایبری و جنگ تبلیغاتی محفوظ دارند. ظاهراً مقامات عربستان سعودی نیز منافع خود را فعلاً در این نمی بینند که به جنگ رو در رو به دست بزنند. در این رابطه، محمد بن سلمان جانشین ولیعهد و وزیر دفاع سعودی نیز در مصاحبه با هفته نامه انگلیسی اکونومیست در پاسخ به این سوال که چقدر احتمال می دهد میان ایران و عربستان جنگی رخ دهد، اظهار داشت:

"جنگ با ایران آغاز یک فاجعه بزرگ است و هرگز اجازه وقوع آن را نمی دهیم." [۱۲]

نگاهی گذرا به روابط تنش آمیز عربستان و ایران

پس از تحولات سال ۱۳۵۷ و روی کار آمدن بورژوازی اسلامی، جاه طلبی های بورژوازی اسلامی شکل ایدئولوژیک «صدور انقلاب اسلامی» بخود گرفت. در راستای مقابله با عربستان سعودی، اسلام عربستان سعودی، اسلام آمریکائی نام گرفت. قرار شد انقلاب به دیگر کشورها صادر شود، منجمله عربستان، عراق و کشورهای حوزه خلیج. رهبر بورژوازی اسلامی خمینی در رابطه با صدور ضد انقلاب اسلامی این چنین می گوید:

"ما باید به هر قیمت شده انقلاب خود را به تمام ممالک اسلامی و تمام جهان صادر کنیم." [۱۳]

با شروع جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹، عربستان سعودی در آغاز اعلام بی طرفی کرد. اما عربستان سعودی مبادرت به پرداخت میلیاردها دلار وام کم بهره به عراق کرد که ایران آنرا عملا حمایت از عراق ارزیابی کرد و در نتیجه روابط دو کشور تیره تر شد. ایران در طی دوران جنگ در راستای فشار آوردن به عربستان و کویت بود تا حمایت شان را از عراق قطع کنند. در این راستا ایران تصمیم گرفت نفتکش های عازم عربستان و کویت را نیز مورد تهاجم خود قرار دهد، قبل از آن فقط نفتکش های عراقی را مورد حمله قرار میداد. در خرداد ۱۳۶۳ بعد از شناسائی نفتکش عربستان سعودی دو فروند شکاری «اف ۴» برای نابودی آن از بوشهر به پرواز درمیآیند. نیروی هوایی عربستان سعودی با پشتیبانی آمریکا هر دو فروند را هدف قرار میدهد. یکی از شکاریها

سرنگون می شود و شکاری دیگر علیرغم صدمات شدید می تواند خود را به جزیره کیش برساند و فرود اضطراری کند.

ایران سعی کرد از طریق مین گذاری یا قایق های تندرو نیز در تردد نفتکش ها در خلیج فارس اختلال ایجاد کند که به جنگ نفتکش ها معروف شد. عربستان برای مقابله با جنگ نفتکش ها پروژه احداث خط لوله را آغاز کرد. هدف این پروژه انتقال نفت عراق به دریای سرخ از طریق عربستان سعودی بود. ایران، عربستان سعودی و دیگر کشورهای حوزه خلیج را متهم میکرد که امکانات خود را در اختیار عراق قرار میدهند و بی طرفی را در جنگ نقض می کنند.



در راستای
صدور ضد انقلاب
اسلامی گانگسترهای
ایرانی در سال ۱۳۶۶،
حجاج ایرانی را بعنوان
گوشت دم توپ در
راستای منافع

امپریالیستی خود قرار دادند. کاروان حجاج ایرانی در مرداد ۱۳۶۶ طی تظاهرات برائت از مشرکین، شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل سر دادند که با سرکوب نیروهای امنیتی عربستان مواجه شد که طی آن صدها نفر کشته و صدها نفر زخمی شدند که البته بیشتر آنها ایرانی بودند. این مسئله منتهی به قطع روابط دیپلماتیک شد. خمینی بخاطر کشتار حجاج اعلام کرد اگر از صدام بگذرد، اگر قدس را فراموش کند، از آل سعود نخواهد گذشت:

"اگر از صدام بگذریم، اگر مسأله قدس را فراموش کنیم، اگر از جنایت های امریکا بگذریم از ال سعود نخواهیم گذشت." [۱۴]

تلاش گانگسترهای ایرانی برای گسترش دامنه نفوذ خود در یمن از طریق پشتیبانی و حمایت از حوثی ها تحت هیچ شرایطی برای عربستان قابل قبول نبود و با واکنش خشن عربستان سعودی مواجه شد. عربستان سعودی با حمایت نوچه هایش به یمن لشکر کشی کرد. این لشکر کشی دامنه نفوذ ایران را در یمن تا حدودی کاهش داده است و نیروهای طرفدار ایران، حوثی ها را عقب رانده است. خامنه ای در رابطه با مداخله نظامی عربستان سعودی در یمن اظهار میدارد که بینی سعودیها به خاک مالیده خواهد شد و این چنین اظهار نظر می کند:

"کاری که امروز دولت سعودی در یمن دارد انجام میدهد، عیناً همان کاری است که صهیونیست ها در غزه انجام دادند. دو جنبه دارد: یکی اینکه جنایت است، نسل کشی است، قابل تعقیب بین المللی است، بچه ها را میکشند، خانه ها را خراب میکنند، زیر بناها را نابود میکنند، ثروتهای ملی را در یک کشور از بین میبرند؛ خب، این یک جنایت بزرگ است؛ ... سعودی ها در این مسئله خسارت خواهند کرد، ضرر خواهند کرد و به هیچ وجه پیروز نخواهند شد... اینها قطعاً ضربه خواهند خورد؛ قطعاً بینی سعودی ها به خاک مالیده خواهد شد." [۱۵]

در پی حادثه منا دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام محسن رضائی مقامات عربستان سعودی را تهدید کرد و اظهار داشت، منافع ملی ایران تنها در چهار چوب جغرافیای ایران تعریف نمی شود و اگر عربستان منافع ایران را به خطر بیندازد به دوران قبل از صنعتی شدن برگشت داده خواهد شد، به عبارت بهتر به عصر بادیه نشینی. محسن رضائی این چنین گفت:

"عربستان باید مراقب باشد چرا که ملت ایران یک صبر دارد چرا که حفظ منافع ملی تنها به چهار چوب جغرافیای ایران تعریف نمی شود منافع ملی یعنی با منطقه باید در صلح و آرامش باشیم و همه وظیفه داریم این امنیت را حفظ کنیم اما اگر بخواهند امنیت ما را به هم بزنند آنها را به دوران قبل از صنعتی شدن بر می گردانیم." [۱۶]

در دیماه ۱۳۹۴ پس از اعدام شیخ نمر سفارت و کنسولگری عربستان سعودی در ایران به آتش کشیده شد و متعاقب آن عربستان سعودی دیپلماتهای خود را از ایران فرا خواند و دیپلماتهای ایرانی را نیز اخراج کرد. البته از قطع رابطه ایران و عربستان بیشتر عربستان زیان اقتصادی می بیند تا ایران، چرا که حدود ۳ میلیارد دلار درآمد سالانه عربستان سعودی از سفر حجاج ایرانی است.

گانگسترهای اسلامی و ادعای قدرت منطقه ای

ما قبلاً هم اعلام کرده ایم ایران در راستای جاه طلبی های امپریالیستی خود، برای ایفای نقش رهبری در قدرت منطقه ای است و این مسئله محدود به رژیم کنونی نیست. شاه نیز چنین جاه طلبی های امپریالیستی داشت که خود را شاه شاهان می نامید و در رویای تحقق امپراطوری کورش در زمان مدرن بود که برنامه های خود را در این راستا تحت عنوان «به سوی تمدن بزرگ» ارائه داده بود. نباید فراموش کرد که ایران در طول تاریخ مدرن، ۳۰۰۰ سال گذشته، قدرت منطقه ای بوده و ۹۰۰ سال از این ۳۰۰۰ سال یکی از «ابر قدرتهای جهانی» بوده است. جمهوری اسلامی با توجه به فاکتورهای چون میزان جمعیت، قدرت نظامی، قدرت صنعتی، داشتن نفوذ در جنبش های ارتجاعی و اسلامی منطقه همچون حزب الله لبنان، گروه های شیعی عراق، حماس در فلسطین، حوثی ها در یمن و غیره و همچنین نفوذ در عراق، سوریه، یمن و حتی تا حدودی در افغانستان مدعی گانگستری منطقه است. ایفای نقش قدرت منطقه ای توسط ایران در تضاد با منافع امپریالیستی ترکیه و بخصوص عربستان سعودی قرار دارد.

برنامه هسته ای ایران که در راستای جاه طلبی های امپریالیستی ایران و در خدمت ادعای قدرت منطقه ای بود با واکنش قدرت های بزرگ امپریالیستی مواجه شده بود. گانگسترهای بزرگ سعی کردند ایران را تنبیه کنند و تحریمهای اساسی علیه ایران اعمال کردند. سالها تنش بین قدرتهای بزرگ امپریالیستی و ایران سرانجام به توافق بین بورژوازی اسلامی و قدرت های بزرگ

جهانی منتهی شد. به عبارت بهتر سرانجام قدرتهای بزرگ امپریالیستی نقش گانگسترهای اسلامی را بعنوان قدرت منطقه ای پذیرفتند. ما به این مسئله پنج سال پیش از طریق انتشار جزوه ای [۱۷] پرداخته بودیم و اعلام کرده بودیم در صورت پذیرش ایران بعنوان قدرت منطقه ای، گانگسترهای اسلامی از ماجراجویی هسته ای خود دست خواهند برداشت.

پذیرش ایران بعنوان قدرت منطقه ای، در توازن قوای منطقه موضوعات جدیدی را مطرح می سازد. پذیرش ایران بعنوان قدرت منطقه ای هرگز به مفهوم پایان تنش های امپریالیستی در منطقه نیست بلکه بر عکس دورنما و افق متفاوتی را پیش روی هر یک از مدعیان قدرت منطقه ای قرار میدهد. ما به بررسی این موضوعات که پیش روی بورژوازی اسلامی است، موضوع به موضوع می پردازیم.

پس برجام

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) توافقی است بر سر برنامه هسته ای ایران که در ژوئیه ۲۰۱۵ بین ایران و شش قدرت جهانی منعقد شد. ایران متعهد شده است که به مدت ۱۵ سال از تاریخ انعقاد، اورانیم را بیش از ۳/۶۷ درصد غنی سازی نکند. تعداد سانتریفیوژهای خود را فقط به نسل اول محدود می کند و آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) نیز به تمام تأسیسات اتمی ایران دسترسی منظم خواهد داشت. در مقابل تحریم های اعمال شده علیه ایران از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و



ایالات متحده، گام
به گام برداشته
خواهد شد و
ایران بتدیج
مجددا به جامعه
جهانی خواهد
پیوست.

یکی از شروط اساسی برای تحقق مسائل مطرح شده در بالا، راستی آزمائی ایران است، به عبارت دیگر ایران باید از خود صداقت نشان دهد که به تعهداتش واقعا عمل می کند و قصد دور زدن آژانس انرژی اتمی را ندارد. وکیا آمانو، مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی در باره این که ایران به تعهدات خود در رابطه با برجام عمل کرده است، اظهار میدارد که ایران گام های مقدماتی را برای اجرای برجام برداشته است. به عبارت دیگر ایران قصد دور زدن آژانس را ندارد و این چنین گفت:

"من امروز گزارشی منتشر کردم که تایید می کند ایران برداشتن گام های مقدماتی لازم برای اجرای برنامه عمل جامع مشترک را تکمیل کرده است. گزارش به هیات حکام آژانس و شورای امنیت سازمان ملل متحد تسلیم شد". [۱۸]

در پس برجام و در راستای برگشت ایران به جامعه جهانی و جذب سرمایه گذاری خارجی، اخیرا «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران به کشورهای آمریکای لاتین سفر کرد. با توجه

به تنش های امپریالیستی بین ایران از سوئی و عربستان سعودی – ترکیه از سوی دیگر، قطعا جذب سرمایه های خارجی از کشورهای آمریکای لاتین راحت تر از کشورهای اروپائی و یا آمریکا است. ظریف در همایش فرصت های اقتصادی اعلام کرد که محدودیت های بانکی لغو شده و بانکها می توانند بدون نگرانی از رفتار آمریکا با طرف های ایرانی گفتگو کنند. او حتی آمادگی ایران را برای دریافت «نامه آرامش بخش» از خزانه داری آمریکا را مطرح کرد و این چنین گفت:

"تهران آمادگی دارد برای رفع برخی نگرانی های بانک های خارجی در زمینه همکاری با ایران از بخش ویژه نظارت بر تحریم ها در خزانه داری آمریکا، نامه آرامش بخش برای آنها بگیرد." [۱۹]

برنامه موشکی ایران

بعد از توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) ، قرار بود تحریم ها علیه ایران مرحله به مرحله برداشته شوند، اما غربی ها اعلام کردند که تنها تحریم هایی برداشته خواهد شد که مربوط به تحریم های هسته ای بوده است. هم مقام های ایرانی و هم مقام های آمریکایی می گویند که برنامه موشکی ایران جزئی از «برجام» نیست که به توافق ایران با شش قدرت جهانی قرار گرفته است.

برنامه موشکی ایران از اهمیت خاصی برای بورژوازی اسلامی برخوردار است. تجربیات جنگ ایران و عراق و تحریم های صنایع نظامی بخصوص تحریم های اعمال شده علیه نیروی هوایی

ایران، بورژوازی اسلامی بدنبال بدیل مناسبی در راستای قدرت نظامی خود است. جمهوری اسلامی بارها با تبلیغات وسیع از توانائی متخصصان داخلی در تولید جنگنده های نظامی خبر داده است که از آن جمله میتوان به ساخت جنگنده "صاعقه"، "آذرخش" و "قاهر ۳۱۳" در این رابطه اشاره کرد. اما متخصصین غربی توانائی این جنگده ها را در مقایسه با جنگنده های فوق پیشرفته غربی زیر سوال قرار داده اند و سر و صدای زیادی هم در این رابطه بلند نشده است و دیگر قدرتهای بزرگ نیز به این مسئله حساسیتی نشان نداده اند.

در مقایسه با هواپیمای نظامی برنامه موشکی ایران بدیل مناسبی است. سرعت بالای موشک، برد آن و هزینه کم آن در مقایسه با هواپیماهای جنگی، آلترناتیو مناسبی برای گانگسترهای اسلامی بوده است. در حال حاضر سوای از عربستان سعودی و اسرائیل که در تیر رس موشکهای ایران هستند، پایگاههای نظامی آمریکا در عربستان سعودی، کشورهای حوزه خلیج و اسرائیل نیز می توانند هدف موشکهای ایران قرار بگیرند.

ایران قصد دارد برنامه موشکی خود را توسعه دهد و غرب میخواهد آن را مهار کند. در چنین زمینه ائی است که غربی ها خواهان تحریم های بیشتر بر صنایع موشکی ایران هستند. از سوی دیگر در واکنش به احتمال تحریم های جدید محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام خواستار افزایش برد موشکهای ایران به پنج هزار کیلومتر شد و حسین سلامی جانشین فرمانده سپاه پاسداران اظهار داشت که:

"ما انبارهای موشکی و تونل‌های طویل مملو از موشک‌هایی داریم که همگی آنها آماده پرواز هستند تا از عزت و استقلال و آزادی ملت و سایر مسلمانان عالم دفاع کنند." [۲۰]



اگر افزایش برد موشک‌ها به پنج هزار کیلومتر یک بلوف و تهدید تو خالی نباشد و زمانی بتواند تحقق پیدا کند، قطعاً نه تنها در معادلات منطقه بلکه در معادلات جهانی تاثیر جدی خواهد داشت. حسین سلامی جانشین فرمانده سپاه پاسداران در واکنش به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل در خصوص برنامه موشکی ایران و تحریم‌های احتمالی اظهار داشت:

"هرگز نوشته‌های روی کاغذ را که توسط قدرت‌های
بزرگ دیکته می‌شود نمی‌خوانیم، ما انشاء قدرت می‌کنیم."

توان سایبری گانگسترهای اسلامی

توانائی و دانش سایبری مزایای خاص خود را دارد. حملات
سایبری در مقایسه با حملات نظامی هم به امکانات بسیار کمی نیاز
دارد و هم اینکه اجرای عملیات سایبری را بر عکس عملیات نظامی
براحتی می‌توان منکر شد و رسماً به عهده نگرفت. تنها با چند حمله
رایانه‌ای حساب شده می‌توان زیر ساخت و ارتباطات کشور مورد
نظر را از کار انداخت و یا صدمات جدی بر آن وارد کرد. این
مسئله را مرضیه شاهدائی مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی
ایران بخوبی تشریح میکند و در رابطه با حملات اخیر به مراکز
پتروشیمی ایران چنین می‌گوید:

"روش‌های جنگ امروز تغییر یافته است و این گونه
نیست که با هواپیما واحدهای پتروشیمی ما را بمباران کنند،
بلکه تهدید نظامی آخرین گزینه است و امروز موارد زیادی
برای تهدید ما وجود دارد." [۲۱]

بعد از حمله سازماندهی شده توسط آمریکا-اسرائیل و از طریق
ویروس کامپیوتری «استاکس نت» به تاسیسات هسته‌ای ایران در
سال ۲۰۱۰، ایران در طی سالهای گذشته سرمایه‌گذاری عظیمی در
زیرساختهای سایبری و توانائی سایبری خود صرف کرده و توانائی
های خود را بشدت توسعه و گسترش داده است. ایران با ایجاد نهاد

هائی در حوزه جنگ سایبری، از جمله واحد سایبری پدافند غیر عامل، پلیس فتا و واحدهای سایبری سپاه پاسداران، بر توانائی ها و فعالیت های خود در این زمینه به شدت افزایش داده است. البته اینها بخش علنی توانائی سایبری ایران هستند و بخش غیر علنی که از هکرهای زبده و توانا تحت عنوان «ارتش سایبری ایران» [۲۲] سازماندهی شده است را بیان نمی کند. هکرهای ایرانی در سالهای اخیر زیر ساخت ها و موسسات بانکی و دولتی بعضی از کشورها از جمله آمریکا و همچنین سایت های مخالفان جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار داده و یا از کار انداخته اند.

با افزایش تنش بین جمهوری اسلامی و عربستان سعودی، یک جنگ سایبری اما در زمینه (پشت پرده) جریان داشته است. اخیراً هکرهای سعودی وبسایت مرکز آمار ایران، اداره ثبت احوال ایران، وزارت امور خارجه، وبسایت پلیس و چندین پایگاه اینترنتی دیگر را هک کردند.



هکرهای ایرانی نیز به انتقام آن وبسایت آمار عربستان سعودی، وزارت بازرگانی، دانشگاه عبدالعزيز و غیره

را مورد حملات سایبری خود قرار دادند. در یکی از حملات سایبری هکرهای ایرانی عبارت «خلیج همیشگی فارس» را بر صفحه اول سایت هکر شده قرار دادند. رئیس پلیس سایبری ایران

(فتا) کمال هادیانفر اخیرا اعلام کرد که آدرس آی پی هک‌های سایت ها و موسسات ایرانی از عربستان سعودی است.

غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل در ایران اخیرا اظهار داشته است که محصولات صنعتی خریداری شده مجتمع های پتروشیمی ایران از قبل آلوده بوده و ویروس هایی بصورت غیر فعال در چندین مجتمع پتروشیمی یافت شده و اقدامات دفاعی لازم انجام گرفته است. همگی اینها بیانگر آن است که رقبا اقدامات لازم را از قبل انجام میدهند و زمینه را برای حمله احتمالی آینده، مهیا می کنند. غلامرضا جلالی چنین ادامه میدهد:

"بررسی‌های ما نشان می دهد برخی محصولات صنعتی خریداری شده خارجی حتی زمان نصب هم آلوده بودند و آلودگی صنعتی به صورت نهاده شده در زیرساخت آن وجود داشته است."

خبرگزاری بلومبرگ گزارش وزارت دفاع آمریکا را منتشر کرده است که در آن وزارت دفاع آمریکا گزارش کرده که ایران پس از تصویب «برجام» همگام با موشکهای بالستیک بر توانایی سایبری خود افزوده است و از حالت دفاعی پیش پا افتاده به حملات خشم آگین به دشمنان پیشرفت کرده است. طبق این گزارش ایران بیش از یک میلیارد دلار برای زیر ساخت و فناوری سایبری خود هزینه صرف کرده و حدود صد هزار کارشناس در این زمینه مشغول به کار هستند. [۲۳] اخیرا "موسسه واشنگتن برای سیاست‌گذاری خاور نزدیک" گفته بود که توانایی‌های سایبری ایران

از ابزار پیش پا افتاده حملات خشم‌آلود به دشمنانش تحول پیدا کرده و اکنون به یکی از ستون‌های حوزه امنیت ملی کشور تبدیل شده است.

راه اندازی جریانات سلفی در راستای منافع امپریالیستی

نگرش سلفی در درون اسلام نگرشی است که خود را به سه نسل اول از اسلام، رجوع میدهد یا به ادبیات خودشان، خودشان را پیروان صحابه، تابعین و تابعین تابعین ارزیابی می‌کنند. میتوان گفت «وهابیت» یک مکتب در نگرش سلفی است که در قرن هیجدهم میلادی توسط «محمد ابن عبدالوهاب» که خود را پیرو عقاید «ابن تیمیه» می‌دانست بنیان نهاده شد. گمانه زنی‌ها و یا شایعاتی وجود دارد مبنی بر اینکه انگلیس برای ضربه زدن به امپراطوری عثمانی این مکتب را شکل داد و در گسترش نفوذ آن نیز نقش بسزائی ایفا کرد. وهابیت الان در عربستان سعودی در اکثریت است و نفوذ گسترده‌ای در نهادهای فرهنگی، مذهبی، قضائی و غیره عربستان دارد.

جمهوری اسلامی در اوایل حیات خود از مفتی زاده و مکتب قرآن آن حمایت کرد و طرفداران مفتی زاده نقش اصلی در شکلگیری «پیشمرگان مسلمان کرد» ایفا کردند. البته مفتی زاده خوب به بازی گرفته نشد و سپس در سال ۱۳۶۱ خود او و طرفدارانش دستگیر شدند. مفتی زاده حدود ده سال در زندان بود و به مدت چند ماه بعد از آزادی از زندان مرد.

بورژوازی اسلامی از گروه‌های سلفی (سلفی جهادی) بعنوان اهرم فشار در راستای منافع امپریالیستی خود بر اقلیم کردستان عراق، افغانستان، پاکستان و غیره استفاده میکرد و شاید همچنان می‌کند. مادام که سلفی‌ها به فعالیت‌هایی مانند تبلیغات، ایجاد جو رعب و وحشت در جامعه، اسیدپاشی و غیره مشغول بودند و به شکل نظامی به جمهوری اسلامی کاری نداشتند، جمهوری اسلامی به فعالیت‌شان حساسیت نشان نمیداد.

قدرتهای منطقه‌ای همچون ایران، ترکیه، عربستان سعودی و اسرائیل بعد از شکلگیری منطقه اقلیم کردستان عراق پس از حمله اول آمریکا به عراق که منجر به منطقه پرواز ممنوع بر خاک عراق را بدنبال داشت و زمانی که هنوز صدام بر سر قدرت بود، در راستای منافع امپریالیستی خود سعی کردند در اقلیم کردستان نفوذ داشته باشند. اقلیم کردستان نیازمند توانائی مالی و ساختاری بود. این دولت‌ها در کردستان عراق و بعنوان اهرم فشار و در راستای منافع امپریالیستی خود کمک به شکلگیری دستجات سیاه سلفی زدند. این باندهای سیاه سر انجام خود را به شکل «انصارالاسلام» شکل دادند. جمهوری اسلامی از «انصارالاسلام» بعنوان چماقی بر سر احزاب کرد استفاده میکرد. این باند سیاه دست به جنایات متعددی علیه مردم منطقه زد. بدنبال لشکر کشی آمریکا به عراق و بمباران پایگاه‌های «انصارالاسلام»، عملاً از هم پاشید و باقیمانده‌های آن بسوی کردستان ایران روان شدند. جمهوری اسلامی نه تنها با آغوش باز پذیرای آنان شد بلکه به حمایت آنان برخواست و پایگاه نظامی در اختیار آنان گذاشت.

انصارالاسلام در کردستان ایران شروع به فعالیت تبلیغاتی علنی از طریق کتاب فروشی و نوار فروشی و از همه مهمتر از طریق شبکه مساجد کرد و شروع به جذب نیرو از جوانان کردستان کرد. نیروهای جذب شده در پایگاههای نظامی آموزش نظامی میدند و سپس به اقلیم کردستان، عراق یا افغانستان اعزام میشدند. اینان نام «کتاب قاعد فی کردستان» را به گروه خود داده بودند. البته وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران بر این امر نظارت داشت. جنایات اینها در اقلیم کردستان عراق واکنش اتحادیه میهنی را برانگیخت. سرانجام اقلیم کردستان با جمهوری اسلامی به مذاکره پرداخت و پس از آن کتاب از فعالیت در اقلیم کردستان منع شد. همچنانکه اقلیم کردستان مانع فعالیت احزاب کرد ایرانی بوده است.

اعمال فشار جمهوری اسلامی برای منع فعالیت در اقلیم کردستان واکنش بعضی از اعضا را به همراه داشت. این امر منتهی به آن شد که هسته هایی از آن منشعب شوند. به این ترتیب «گروه صلاح الدین»، «جیش صحابه»، «توحید و جهاد» و غیره شکل گرفتند و فعالیت علنی داشتند. پس از سفر خامنه ای به کردستان در سال ۱۳۸۸، فعالیت گروه های سلفی ممنوع شد. چند تا از هسته های جدا شده که از کنترل وزارت اطلاعات خارج شده و احتمالاً در ارتباط با سلفی های خارج قرار گرفته بودند، دست به عملیات زدند. این دستجات جنایتکار اما قبل از آنکه اقدام جدی کرده باشند، در پایگاهها و یا خانه های تیمی خود توسط وزارت اطلاعات کشته یا دستگیر شدند. علت این امر این است که وزارت اطلاعات به بیوگرافی اینها واقف بود و است و تحرکات آنان را تحت کنترل خود داشته است. جمهوری اسلامی عملاً به اینها تفهیم کرده بود که اگر

دست به تحرکات خارج از کنترل وزارت اطلاعات بزنند، با سرکوب مواجه خواهند شد. جمهوری اسلامی نیز با تهیه شوهای تلویزیونی نظیر «در عمق ناکامی»، «مستند تکفیر و ترور» و غیره از سوئی افکار عمومی را برای جنایت خود آماده کی کند و از سوی دیگر یک تصویری از سربازان گمنام امام زمان (وزارت اطلاعات) ارائه میدهد که گویا همه چیز را زیر رصد خود دارند.

اعدام یعنی قتل عمد

اعدام یک قتل برنامه ریزی شده و یک قتل عمد است که توسط حاکمان و در راستای حفظ نظام بربر خود اعمال می کنند. جنایتکاران و جانپان مجری جنایت هائی هستند که زمینه مادی این جنایت ها در جامعه وجود دارد. جامعه طبقاتی و در عصر ما، جامعه وارونه سرمایه داری زمینه مادی چنین جنایت هائی را مهیا می کند. اما اعدام های اخیر در ایران متوجه سلفی های جهادی بوده است. اعدام سلفی های جهادی بعنوان قتل برنامه ریزی شده و قتل عمد، در تنش های امپریالیستی و در پاسخ به گانگسترهای عربستان سعودی قطعاً محکوم است. این جوانان گوشت دم توپ در تنش های امپریالیستی بین ایران و عربستان سعودی شدند.

جمهوری اسلامی بعد از سال ۱۳۸۸ اعضای هسته هائی را که از کنترل وزارت اطلاعات خارج شده و دست به عملیات خود سر می زدند، شروع به اعدام کرد. معمولاً نیز قبلاً با نشان دادن شوهای تلویزیونی نظیر «در عمق ناکامی» افکار عمومی را برای

جنایات خود آماده میکرد. اعدام شدگان مرداد ۱۳۹۵ در زندان رجائی شهر جزو این دسته از سلفی های جهادی بودند. سلفی های جهادی که خود شکل دیگری از حزب اللهی هستند و کوچکترین تفاوتی در ماهیت شان وجود ندارد، توسط برادران حزب اللهی خود (جمهوری اسلامی) سرکوب شدند. سلفی های جهادی اگر موقعیت برایشان فراهم شود، کمتر از گله های حزب اللهی جنایت خواهند آفرید. هنوز قدرت نگرفته، همچون حزب اللهی ها با قمه و شمشیر در دست، به عربده کشی در خیابانها پرداختند و به ایجاد رعب و وحشت پرداختند.

مجاهدین بعنوان پیاده نظام در تنشهای امپریالیستی

مجاهدین هر ساله تجمعی را تحت عنوان «گردهمائی بزرگ مقاومت» ترتیب میدهند که امسال نیز در ۹ ژوئیه برگزار شد. هر ساله دولتمردان یا قانونگذارانی بخصوص از کشورهای غربی و عربی در این تجمع شرکت می کنند و حمایت خود را از شورای ملی مقاومت اعلام میدارند. اما تجمع امسال مغایر با سالهای قبل



بود. سخنرانی ترکی الفیصل، رئیس پیشین سازمان اطلاعات عربستان سعودی، و فیلیپ کراولی معاون پیشین وزرات خارجه

آمریکا در این گردهمائی و پوشش گسترده این گردهمائی و در

صدر اخبار قرار دادن این تجمع توسط رسانه های عربی وابسته به نهادهای عربستان سعودی و ساختن رهبر مخالفان جمهوری اسلامی از مریم رجوی و سپس دیدار محمود عباس رئیس دولت خودگران



فلسطین با مریم
رجوی، نشان
میدهد که سرمایه
گذاری سیاسی
روی مجاهدین
انجام می گیرد.

پوشش گسترده و در صدر اخبار قرار دادن این گردهمائی توسط روزنامه های بین المللی الحیات و الشرق الاوسط و تلویزیون العربیه و دیگر رسانه های وابسته به نهادهای عربستان سعودی، اغراق در شمار شرکت کنندگان و ساختن رهبر مخالفان از مریم رجوی، گمانه زنی هائی را دامن زده است که گویا هماهنگی بین این رسانه ها وجود داشته است. گمانه زنی هائی نیز وجود دارد مبنی بر اینکه محمود عباس تحت فشار عربستان سعودی به دیدار مریم رجوی رفته است.

عربستان سعودی در تنش های امپریالیستی خود با گانگسترهای اسلامی در سرمایه گذاری بر روی مجاهدین، از مجاهدین اسطوره می سازد. ترکی الفیصل در سخنرانی خود در گردهمائی مجاهدین از مبارزات رجوی شاهنامه ساخت که در حافظه تاریخ ثبت خواهد شد او این چنین گفت:

"تلاشهای تو و شوهر مرحومت برای رهایی مردمتان
همچون شاهنامه در حافظه تاریخ ثبت خواهد شد." [۲۴]

مجاهدین بعنوان یک گرایش بورژوائی با روبنای ایدئولوژیک
اسلامی شکل گرفت و از اولین روزهای حوادث سال ۱۳۵۷ که در
فضای سیاسی ایران از حداقل نفوذی برخوردار بود، ادعای شرکت
در قدرت سیاسی را داشت. دیدار مجاهدین با خمینی و مسئولان
اولیه جمهوری اسلامی در راستای تقاضای شریک شدن در قدرت
سیاسی بود. اما بورژوازی اسلامی حاضر به دخالت دادن و یا
شریک کردن مجاهدین در قدرت سیاسی نشد، کشمکش ها تداوم
یافت و سرانجام کاسه صبر مجاهدین فرو ریخت و بر علیه
بورژوازی اسلامی به عصیان بر خواستند. جنگ مجاهدین با
جمهوری اسلامی یک جنگ ارتجاعی و جنگی بین دو جناح
بورژوازی، یکی در قدرت و دیگری در اپوزسیون بوده است. جنگ
اپوزسیون بورژوائی مجاهدین با بورژوازی در قدرت جمهوری
اسلامی، جنگ قدرتی است که روبنای ایدئولوژیک هر دو اسلام
تشیع دوازده امامی است.

مجاهدین برای دستیابی و یا شریک شدن در قدرت سیاسی
نشان داده اند که توانائی و ظرفیت ایفای نقش پیاده نظام را در تنش
های امپریالیستی دارند. تشکیل «ارتش آزادیبخش» بعنوان بخشی از
پیاده نظام ارتش عراق که با حمایت و پشتیبانی کشورهای حوزه
خلیج انجام گرفت و توانائی «ارتش آزادیبخش» در ایفای نقش پیاده
نظام در تنش های امپریالیستی بخشی از کارنامه ارتجاعی و ضد
انقلابی مجاهدین است. عربستان سعودی با توجه به این کارنامه

یعنی توانائی و ظرفیت ایفای نقش پیاده نظام روی مجاهدین سرمایه گذاری می کند، مجاهدین امتحان پس داده اند. اگر زمانی در سالهای ۱۳۶۰-۱۳۵۷ مجاهدین از نفوذی در جامعه برخوردار بودند، به دذبال تحولات جامعه از سوئی و آشکار شدن نقش روبنای ایدئولوژیک اسلام در جامعه و از سوی دیگر تبدیل مجاهدین به پیاده نظام ارتش عراق، مجاهدین تبدیل به یک فرقه شدند و تنها با مزدوری و ایفای نقش سیاه در حوادث اجتماعی است که می توانند به زندگی ارتجاعی و ضد انقلابی خود ادامه بدهند.

تحركات حزب دمكرات

حزب دمكرات كردستان ايران به دبیر کلی مصطفی هجری مراسم عید نوروز امسال را نقطه صفر مرزی ایران و عراق و با حضور پیشمرگان خود جشن گرفت. در روند آن نیز سیاست جدید خود یعنی مبارزه مسلحانه تهاجمی را جایگزین مبارزه مسلحانه دفاعی قرار داد.

حزب دمكرات كردستان ايران در آخرین روزهای جنگ جهانی دوم با نظر مساعد متفقین و با حمایت شوروی شكل گرفت. ناسیونالیسم كردی روبنای ایدئولوژیک این حزب را تشكيل میدهد. این حزب به عنوان پیاده نظام در تنش های امپریالیستی بخصوص در زمان جنگ سرد بعنوان اهرمی در دست بلوك شرق بوده است. این حزب اگر چه شانس آن را نداشته همچون مجاهدین توانائی و ظرفیت خود را بعنوان پیاده نظام در ابعاد وسیعی در تنش های

امپریالیستی ایفا کند، با این وجود، بارها نشان داده است که میتواند همچون دیگر جریانات سیاه بورژوائی نقش جریان سیاه را بخوبی ایفا کند.[۲۵] در چنین زمینه‌ای است که در منطقه تحت نفوذ حزب دمکرات کردستان عراق (بارزانی) بدنبال حمایت و نقش آفرینی است. برای پذیرفته شدن از سوی گانگسترهای منطقه عربستان، ترکیه و اسرائیل باید ظرفیت و توانائی خود را نشان دهد. حزب دمکرات خواهان کمک و حمایت اسرائیل از اپوزسیون ایران و منجمله حزب دمکرات کردستان است و این مسئله را اخیرا



مصطفی هجری
دبیر کل حزب
دموکرات کردستان
ایران در مصاحبه
خود با روزنامه
«اورشلیم
پست» بیان داشته
که در نشریه

«کردستان» شماره ۶۸۳ چاپ شده است.

تولید کالائی در اقصی نقاط ایران از آن جمله جامعه کردستان ریشه دوانیده است. در جامعه کردستان همچون دیگر بخشهای ایران روابط تولید سرمایه داری حاکم است و به تبع آن جامعه نیز به طبقات اجتماعی تقسیم شده است. انسان کارگر در کردستان قبل از آنکه ستم ملی را احساس کند، ستم طبقاتی را با گوشت و پوست خود لمس می کند. دنیای کارگر "گرد" با دنیای بورژوازی کرد بیگانه است. کارگر "گرد" نه از طریق ناجیان بورژوائی که فقط لباس

"گردی" به تن دارد بلکه از طریق مبارزه طبقاتی، بازو در بازو با دیگر همه طبقه ای های خود می تواند، در زندگی برده وار خود تحولی بوجود آورد.

حزب دمکرات در طول تاریخ سیاه خود همواره سعی کرده نوکر منشی خود را به گانگسترهای امپریالیستی نشان دهد. در جریان جنگ خلیج امیدوار بود که طرح نظم نوین جهانی شامل ایران نیز شود، تا بتواند نقش پیاده نظام در نظم نوین ایفا کند. در انتخاب دوره دوم جرج بوش بعد از حمام خون براه انداخته شده در خاورمیانه در سال ۲۰۰۴، همچنان به ایفای نقش خود امیدوار بود و با پیام تبریک مجددا شایستگی خود را برای ایفای نقش اعلام کرد. بالاخره حزب دمکرات کردستان «مشی جدید حزب» را طی بیانیه ای بتاريخ ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۶ صادر کرد. در مشی جدید مبارزه مسلحانه تهاجمی جای خود را به مبارزه مسلحانه دفاعی خواهد داد. بحث بر سر امکان یا ناممکنی تحقق مشی جدید حزب دمکرات نیست، بلکه مشی جدید را باید در تنش های گانگسترهای منطقه ای و نقش حزب دمکرات برای ایفای پیاده نظام جست. حزب دمکرات کردستان ایران بدون اجازه حزب دمکرات کردستان عراق که اردوگاهش تحت پوشش آن قرار دارد، اجازه تحرکات نظامی ندارد. البته حزب دمکرات اظهار داشته است که عملیات پیشمرگه ها ادامه خواهد یافت. [۲۶]

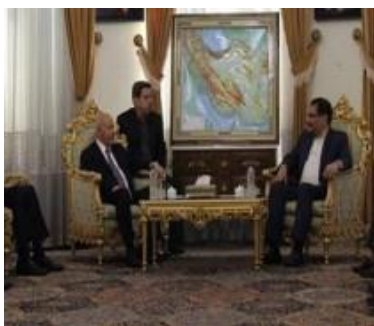
گروههای کرد ایرانی که زمانی بخاطر جنگ ایران و عراق در کردستان عراق اردوگاه داشتند و از صدام پول، امکانات و دیگر تجهیزات می گرفتند و بخاطر جنگ می توانستند تحرکاتی داشته باشند، بعد از خاتمه جنگ دیگر قادر به ایفای این نقش نیستند. بعد

از فروپاشی صدام و افزایش نفوذ ایران در عراق، اردوگاه این گروه‌ها در اقلیم کردستان عراق شکل اردوگاه پناهندگان را دارد. خطر معامله و قربانی شدن بالای سر این اردوگاه پناهندگان است، بخصوص در رقابت‌های ارتجاعی منطقه‌ای و تنش‌های امپریالیستی.

در واکنش به تحرکات جدید حزب دمکرات فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران، محمد پاکپور اقلیم کردستان را تهدید کرد و اظهار داشت:

"با توجه به استقرار مراکز اصلی این تروریست‌ها در شمال عراق، در صورت عدم عمل به تعهدات خود، مبنی بر جلوگیری از تحرک و اقدامات ضدامنیتی، عقبه آنها در هر نقطه و منطقه‌ای باشد، مورد هدف قرار خواهد گرفت." [۲۷]

جمهوری اسلامی در راستای منافع امپریالیستی خود کمک‌های بی دریغی به احزاب اقلیم کردستان عراق کرده است و در مجموع



روابط خوبی با آنها بخصوص اتحادیه میهنی داشته است. سرانجام ۲۴ مرداد ۱۳۹۵ هیئت امنیتی اقلیم کردستان عراق به سرپرستی کریم شنگالی وزیر داخلی اقلیم کردستان عراق به تهران سفر

کرد و با علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی دیدار و گفتگو کرد. ناظم دباغ نماینده دولت اقلیم کردستان عراق در تهران در باره این دیدار اظهار داشت:

"طرفین بر مواضع مشترک اقلیم کردستان و ایران تأکید و توافق کرده‌اند که هیچ اجازه ندهند خاک و مرزهایشان تبدیل به تهدید و مکانی برای استفادۀ علیه یکدیگر شود." [۲۸]

کریم شنگالی وزیر داخلی اقلیم کردستان نیز در دیدار با دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران با تأکید بر حساسیت ویژه اقلیم برای حفظ امنیت و ثبات در مرزهای مشترک با ایران بار دیگر تأکید کرده که به هیچ گروهی اجازه شرارت نخواهند داد. یعنی اردوگاه نشینان همچون "اردوگاه پناهدگان" اجازه خروج و عملیات ندارند بجز وقتی که تنش‌های امپریالیستی اجازه این کار را بدهد. وزیر داخلی اقلیم کردستان اظهار میدارد:

"به هیچ گروهی اجازه شرارت در مناطق مرزی ایران را نخواهیم داد و با بسیج مجموعه توانمندی‌های نظامی و امنیتی خود با اخلال‌گران در مرزهای مشترک مقابله می‌کنیم." [۲۹]

وظایف انترناسیونالیستی

با فروپاشی نظام دو قطبی و شکل گیری نظم نوین جهانی، آمریکا با براه انداختن جنگهای متفاوت جنگ خلیج، جنگ بالکان، جنگ افغانستان، جنگ عراق و غیره سعی کرد و همچنان سعی می کند هژمونی ویژه خود را در نظم نوین جهانی تثبیت کند. امری که علیرغم حمام خون های براه افتاده با مشکلات جدی روبرو بوده است. تقابل گانگسترهای بزرگ و کوچک ریشه در نظام وارونه سرمایه داری دارد. در عصر انحطاط سرمایه داری، عصر امپریالیسم، عصر بحران و جنگ، رقابت گانگسترها در راستای منافع امپریالیستی خود و در راستای تضعیف همدیگر است.

طبقه کارگر ایران از یک سو بدلیل تسلط بلاع منازع چپ سرمایه و دیگر جریانات ارتجاعی همچون مجاهدین و دیگر ایدئولوژی های ناسیونالیستی به فضای سیاسی ایران و فقدان آلترناتیو انترناسیونالیستی و از سوی دیگر دیکتاتوری عریان بورژوازی و شرایط اسفناک ناشی از ، برای بقای فیزیکی خود، تلاش می کند. اگر امروز طبقه کارگر ایران صرفا بخاطر حقوق های پرداخت نشده، بخاطر حفظ شغل، بخاطر افزایش حداقل حقوق و در یک کلام بخاطر یک لقمه نان می رزمند با این حال طبقه کارگر ایران بعنوان گردانی از طبقه کارگر جهانی، متمرکز ترین و با تجربه ترین طبقه کارگر خاورمیانه را دارد که در حافظه تاریخی خود نبردهای زیادی را بخصوص در سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۵۶ به ثبت رسانده است.

هم زنجیران!

برای ما همه گرایش‌ات بورژوائی به یک اندازه ارتجاعی هستند و تسلط هر کدام از آنها به مفهوم تداوم بردگی مزدی است. مجاهد همان نظامی را برای ما به ارمغان خواهد آورد که گانگسترهای اسلامی حدود ۴۰ سال است برایمان تحمیل کرده اند. حزب دمکرات کردستان همانقدر به فکر منافع کارگر "کرد" است که ناسیونالیستهای ارتجاعی و ضد کارگری تجمع یافته در «جاماح» یا «گاموح» به فکر منافع کارگر "آذری". «الاحواز» همانقدر به فکر منافع کارگر "عربی" است که جنایتکاران متشکل در «جندالله» به فکر کارگر "بلوچ". همگی این باندها و دستجات سیاه و ضد کارگر تنها در تنش های امپریالیستی میتوانند مفهوم پیدا کنند.

واقعیت این است که بجز ظلم و ستم طبقاتی بخش هایی از گروههای مردمی ستم مضاعفی را در مقایسه با دیگران تجربه می کنند یا برایشان روا می شود. سرمایه سعی می کند از این مسئله بهره برداری کند و گروههای کوچک مردمی را به عنوان گوشت دم توب در رقابتهای و ماجراجویی های خود مورد استفاده قرار دهد. در مقابل چنین سیاست های بورژوائی و به چه زبانی صحبت کنیم (فارسی، آذری، کردی، عربی، بلوچی و غیره)، ما یک ویژگی مشترک داریم و آن اینکه به طبقه کارگر تعلق داریم و ملت برای ما بیگانه است.

نیروی مادی برای تحولات جامعه، طبقه اجتماعی ماست و میدان نبرد نیز محل کار و جامعه است نه از بالای سر ما و در تنش های امپریالیستی. تحرکات گرایش‌ات رنگارنگ سیاه بورژوائی بعنوان اهرم فشار در سیاست های امپریالیستی در خدمت پلیسی

کردن جامعه، حاشیه راندان و یا تحت الشعاع دادن مبارزه طبقاتی ماست. منافع ما تنها در مبارزه طبقاتی است، تنها در مبارزه طبقاتی است که می‌توانیم بازو در بازو و به هر زبانی که صحبت می‌کنیم، خواست هایمان را تکامل بدهیم و سرمایه را به چالش بکشیم. از شبیح مبارزه طبقاتی است که بورژوازی بیش از هر چیزی وحشت دارد. چرا که در روند تکاملی خود منجر به انهدام انقلابی دولت سرمایه داری خواهد شد.

دخالته فعال در مبارزه طبقاتی، تجزیه و تحلیل شرایط و ارائه جهت گیری شفاف سیاسی به پرولتاریا و تلاش در راستای پیشروی مواضع انترناسیونالیستی بخش خستگی ناپذیر وظایف انترناسیونالیستهاست. پیشروی مواضع انترناسیونالیستی، نیازمند و در گرو سازمان یابی انترناسیونالیستها است. اگر چه امروز شرایط برای تشکیل حزب کمونیست انترناسیونالیست جهانی مهیا نیست اما از همین امروز باید در راستای آماده سازی برای تشکیل حزب کمونیست انترناسیونالیست کوشید چرا که بدون حزب کمونیست انترناسیونالیست امر انجام انقلاب کمونیستی امکان پذیر نیست. تنها پیشروی طبقه کارگر بسوی انقلاب کمونیستی برای بزیر کشیدن نکت سرمایه داری، جهانی بدور از تنش های امپریالیستی، جهانی بدور از طبقه و بردگی مزدی، جهانی شایسته انسانی به ارمغان خواهد آورد.

م جهانگیری

۹ شهریور ۱۳۹۵

یادداشت ها:

- [۱] برنامه ده ساله برای جذب گردشگر
- [۲] آغاز گفتگوهای حقوق بشری با اروپا
- [۳] بحران سوسیال دمکراسی – روزا لوکزامبورگ
- [۴] <http://www.tabnak.ir/fa/news/485949> / انتقاد-اردوغان-از-
ایران-در-آستانه-سفر-به-تهران
- [۵] ایران باید از یمن عقب بنشیند
- [۶] <https://www.radiozamaneh.com/294906>
- [۷] [http://www.reuters.com/article/us-yemen-security-
saudi-un-idUSKCN0YV1UQ](http://www.reuters.com/article/us-yemen-security-saudi-un-idUSKCN0YV1UQ)
- [۸] <http://www.asriran.com/fa/news/456584> / اوپاما-ایران-و-
عربستان-باید-با-هم-کنار-بیایند
- [۹] بی بی سی
- [۱۰] <http://www.dw.com/fa-af> / پیامد-تحریمها-علیه-روسیه-فقر-ا-
برای-غذا-صف-می-کشند/a-18986782
- [۱۱] <http://www.farsnews.com/13940901000807>
- [۱۲] رادیو فردا
- [۱۳] روزنامه اطلاعات، تهران، ۲۲ بهمن ۱۳۵۸
- [۱۴] <http://www.rozenews.com/view/6537> / امام-خمینی:از-آل-
سعود-نمی-گذریم

[۱۵] <http://adyannews.com/fa/news/73266> /قطع‌آبینی-
سعودی‌ها-به-خاک-مالیده-خواهد-شد

[۱۶] <http://www.mehrnews.com/news/2761453> /هشدار-
رضایی-به-عربستان-باید-برای-آزمون-آزادی-منطقه-آماده-باشیم

[۱۷] برای اطلاع بیشتر در این مورد به جزوه «تنش های امپریالیستی
بین ایران و گانگسترهای دموکرات – موضع و وظایف انترناسیونالیستی»
که در فروردین ۱۳۹۰ به زبانهای فارسی و انگلیسی توسط صدای
انترناسیونالیستی منتشر شد، رجوع کنید.

[۱۸] <http://ir.voanews.com/a/iran-iaea/3148531.html>

[۱۹] <http://www.jamaran.ir/fa/n141865> /سرویس های اصلی/
بازنشر/وزیر امور خارجه ایران در شیلی به بانک های خارجی
تضمین داد

[۲۰] <http://iranmehrnews.com/?p=8815>

[۲۱] http://www.bbc.com/persian/iran/2016/08/160827_11_2_iran_cyber_attack_petrochemical_plant

[۲۲] https://fa.wikipedia.org/wiki/ارتش_سایبری_ایران

[۲۳] <http://www.bloomberg.com/news/articles/2016-08-09/iran-improving-cyber-abilities-since-nuclear-deal-pentagon-says>
[۲۴] بی بی سی

[۲۵] حزب دموکرات پد طولانی در گردنه گیری، گردن کشی دارد. حمله
لمپن های حزب دموکرات به فرماندهی «کریم خالدار» به مقر جریانات
مخالف در بوکان و قتل عام وحشیانه آنان، اعدام اسرای جنگی کومله،
حتی اسرای جنگی حامله (زنان حامله) و اسرای زخمی، حمله به
بیمارستان کومله و دهها جنایت شبیه آن، که صد البته همگی نیز "گرد"

بوده اند بیانگر آن است که حزب دمکرات ظرفیت ایفای جنایت و نقش جریان سیاه را دارد.

[۲۶] <http://farsi.alarabiya.net/fa/iran/2016/06/19/حزب-دموکرات-کردستان-ایران-عملیات-پیشمرگه-ها-ادامه-خواهد-داشت.html>

[۲۷] <http://www.radiofarda.com/a/f7-IRGC-ground-forces-Commander-over-clash-in-borders/27821706.html>

[۲۸] <http://www.javanpress.ir/آخرین-توافقات-ایران-و-اقلیم-کردستان-ع/>

[۲۹] منبع بالا

خطوط اصلی مواضع:

۱. جنگ جهانی اول نشان داد که سرمایه داری بعنوان یک نظام اجتماعی وارد دوره انحطاط شده است. تنها دو آلترناتیو برای این سیستم وجود دارد: یا انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت.

۲. در عصر ما، طبقه کارگر تنها طبقه انقلابی است و تنها این طبقه اجتماعی است که میتواند انقلاب کمونیستی را انجام دهد و به بربریت سرمایه داری پایان دهد.

۳. بعد از آنکه سرمایه داری وارد دوران انحطاط خود شد، اتحادیه های کارگری در سراسر جهان تبدیل به ارگانه های نظام سرمایه داری شدند. وظیفه اصلی اتحادیه ها کنترل طبقه کارگر و منحرف کردن مبارزه طبقاتی کارگران است.

۴. در عصر انحطاط و گندیدگی سرمایه، شرکت در نمایشات انتخاباتی و سیرک پارلمان تنها در جهت تقویت توهمات دموکراسی است. سرمایه داری دموکراسی و سرمایه داری دیکتاتوری دو روی همان سکه هستند، بربریت سرمایه داری.

۵. تمامی جنبش های ملی ضد انقلابی، بر علیه طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی هستند. جنگ آزادیبخش ملی یک نیروی پیاده در اختلافات امپریالیستی است.

۶. علت شکست انقلاب اکتبر، شکست موج انقلاب جهانی، مخصوصاً شکست انقلاب آلمان که منتهی به انزوای انقلاب اکتبر و سپس منجر به انحطاط آن شد.

۷. تمامی احزاب چپ ارتجاعی هستند، استالینیستها، مائوئیستها، تروتسکیستها و آنارشیهستهای رسمی و غیره دستگاه سیاسی سرمایه را نمایندگی می کنند.

۸. کلیه دولتهای به اصطلاح "سوسیالیست" یا "کمونیست" که در شوروی، اروپای شرقی، چین، کوبا و غیره بر سر کار آمدند تجلی شکل ویژه از بربریت سرمایه داری بوده و هستند، سرمایه داری دولتی.

۹. سازمان انقلابی پیشقراول پرولتاریا را تشکیل میدهد و یک فاکتور فعال در تکامل و تعمیم آگاهی طبقاتی است. سازمانهای انقلابی تنها میتوانند شکل اقلیت انقلابی به خود بگیرند که وظیفه شان نه سازماندهی طبقه کارگر یا کسب قدرت بجای طبقه کارگر، بلکه رهبری سیاسی – یک قطب نمای سیاسی است، بطوریکه شفافیت سیاسی سازمان انقلابی و نفوذ آن در طبقه کارگر از عناصر اصلی برای انقلاب کمونیستی هستند.

تعلق سیاسی:

مواضع، نظرات و فعالیت گرایشات سیاسی پرولتری، محصولی از تجربیات گذشته طبقه کارگر و درسهایی که سازمانهای سیاسی طبقه کارگر در طول تاریخ این طبقه کسب کرده اند. لذا صدای انترناسیونالیستی ریشه های خود را در اتحادیه کمونیستها، انترناسیونال اول، جناح چپ انترناسیونال دوم، انترناسیونال سوم، مخصوصاً جناح چپ انترناسیونال سوم و فراکسیونهایی که در مقابل انحطاط انترناسیونال سوم وظیفه سترگ دفاع از مواضع پرولتری و کمونیستی را بر عهده گرفتند، فراکسیونهای هلندی – آلمانی و بویژه فراکسیون چپ کمونیست ایتالیا میداند و از سنن چپ کمونیست دفاع می کند.